

## امنستی نیز از بررسی مجدد پرونده لیلا مافی خبر داد!



مسئله عقب ماندگی ذهنی لیلا، تحقیقات مجددی در رابطه با پرونده او صورت خواهد گرفت. در عین حال امنستی اعلام کرد که به کمپین خود برای نجات نهایی لیلا ادامه خواهد داد.

در حالیکه احکام اعدام و سنگسار زنان و مردان و کودکان، مرتباً در ایران صادر می گردد و به همین دلیل رژیم اسلامی ایران مورد اعتراضات بین المللی قرار می گیرد، سخنگوی قوه قضائیه ایران، جمال کریمی راد روز گذشته صدور و اجرای هر گونه حکم سنگسار و همچنین اعدام نو ← ۴

همانطور که در اطلاعیه قبلی به اطلاع عموم رسانده شد، طی نامه ای که وزیر امور خارجه دانمارک در پاسخ به درخواست ناهید ریاضی برای نجات جان لیلا مافی به ایشان نوشته بود، خبر از اعلام مقامات رژیم اسلامی در بررسی مجدد پرونده این دختر ۱۹ ساله داد. (اطلاعیه ضمیمه). ناهید ریاضی در همان موقع نامه وزیر امور خارجه دانمارک را جهت بررسی بیشتر واقعی بودن اظهارات رژیم اسلامی، در اختیار سازمان عفو بین الملل قرار داد.

دیروز ۱۱ ژانویه، سازمان عفو بین الملل طی اطلاعیه ای خبر بررسی مجدد پرونده لیلا مافی را بنا به اظهارات مقامات دولت ایران، تأیید نمود. بنا به گزارش سازمان عفو بین الملل، وزیر خارجه ایران در تاریخ ۲۶ دسامبر در کنفرانس خبری اطلاع داد که بدلیل طرح

## پیش به سوی تدارک ۸ مارس، روز جهانی زن!



عکس از آرشیو: تظاهرات زنان کارخانه نساجی نیو یورک در سال ۱۸۵۷

## حجاب هیچ کس "اختیاری" نیست

ثریاشهابی

shahabi\_99@yahoo.com



که صحبت از حقوق زنان در محیط های اسلامی است، بخاطر آوانس به مذهب، و به خاطر برخورد نژادپرستانه به متولدين محیط های اسلامی، به سادگی مخدوش و مبهم می شوند.

درک منطق تسلیم شدن زنان در محیط های اسلامی مشکل نیست. جایی که قتل های ناموسی در ایران و پاکستان و عراق و عربستان و سومالی تهدیدی روزانه در زندگی این زنان است، صحبت از اختیار در انتخاب لباس شوخی زننده ای است. حد نفس کشیدن زنان در محیط های اسلامی را میلیمتری کرده اند و تعدادی از زنان بالغ محجبه دست از تلاش برای تغییر کشیده اند. باید همراه این زنان دوران سرتاپا محرومیت کودکی و نوجوانی شان را پیمود، تا منطق "انتخاب" و در واقع تسلیم را درک کرد. اینها برای "بقا" تسلیم شده اند. می دانیم انسان تسلیم شده برای ادامه زندگی، حرمت و کرامت انسانی می خواهد. انسان تسلیم شده لازم دارد به خود و دیگران بقبولاند ← ۲

محیط های اسلامی را بالای سر خود حس نکرده باشد. اینها شهروندان برخوردار از آزادی انتخاب نیستند، ترسیدگان از برق چاقو، محرومان از حقوق اجتماعی و فرودستان و منزوی شدگان جو ارباب و ترور حاکم بر محیط های اسلامی و جوامع مردسالار اند. صحبت از "اختیار" و "انتخاب آزاد" در ارتباط با بخش محروم و محکوم به انزوای محیط های اسلامی، حتی آنجا هم که از نظر حقوقی موجه باشد از زاویه زندگی واقعی، به سخره گرفتن مفاهیمی چون اختیار و انتخاب است.

انتخاب حجاب بعنوان پوشش برای زنان بالغ در محیط های اسلامی همانقدر اختیاری است که ماندن "داوطلبان" زن در روابط خانوادگی پر از آزار و شکنجه! واقعیت این است که این مفاهیم در دنیای امروز معانی روشن و قابل درکی دارند. این مفاهیم را به سادگی نمی توان تابع ذهنیت این و آن فرد و گروه، تعبیر و تفسیر کرد. علیرغم این می بینیم که همین اندازه واقع بینی آنجا

حجاب برای همه زنان، همه جا، بی چون و چرا، بد و سمیل حقارت و بردگی است. می گویند برخی زنان بزرگسال در کشورهای اروپایی و با حکومت های غیر اسلامی، خود "به اختیار خود" آن را بر سر می کنند. از نظر حقوقی این يك استدلال ظاهراً معقول است. اما در دنیای واقعی همه می دانند که کمتر زن بالغ محجبه ای هرگز در زندگی خانوادگی، "زناشویی" و اجتماعی طعم انتخاب آزاد در هیچ زمینه ای، پوشش، معاشرت، غذا و رفتار را چشیده است. کمتر زن بالغ و محجبه ای را میتوان یافت که در طول زندگی اش ترس چوب و چماق

## شمیز جهانی آزاد باید گردد



مسئله زن مجازات شده است. سازمان رهایی زن ضمن محکومیت حکم دادگاه انقلاب اسلامی، خواهان آزادی فوری شمیز جهانی میباشد.

سازمان رهایی زن

روز گذشته، شمیزین جهانی، روزنامه نگار ساکن مهاباد ساعت ۹،۳۰ صبح دوشنبه به دادگاه انقلاب احضار گردید و بعد از يك ساعت ونیم به طول انجامیدن جلسه ی دادگاه های، نتیجه ی حکم قضای مشخص گردید. دادگاه، ۳ سال و ۹۱ روز زندانی را برای روزنامه نگار زن، شمیزین تعیین گردانید و از قرار معلوم، ۳ سال این حکم به صورت معلق و تعزیری برای وی در نظر گرفته شده، اما ۹۱ روز دیگر حکم را باید در زندان بسر ببرد.

شمیز جهانی به دلیل فعالیتهای سیاسی و نوشتن مقالات در باره

# زنده باد برابری

# زنده باد آزادی

## اعتصاب گسترده پرستاران برای رفع تبعیض در پرداخت دستمزد و سختی کار

پرستاران هم بر علیه نابرابری شغلی و اجتماعی و زیان آور و سخت بودن شغل پرستاری است. پرستاران باید خواسته های خود را در این زمینه ها به شکل روشن تری طرح کنند و همچنین باید تلاش شود تا مردم را به پشتیبانی از اعتصاب جلب شوند. اعتصاب پرستاران بر علیه تبعیض و نابرابری شغلی بخشی از مبارزه جنبش برابری زنان برای رفع نابرابری دستمزد براساس جنسیت در جامعه نیز میباشد.

سازمان رهایی زن

پرستاران، از همه مردم می خواهد که از مبارزات پرستاران برای حقوق و مطالباتشان حمایت کنند. شغل پرستاری در ایران و هم چنین در اکثر جهان به یک شغل زنانه تبدیل شده است. پایین بودن میزان دستمزد در این بخش نسبت به بخشهای دیگر صنعت و خدمات در جامعه که زنان اکثریت شاغلین آن را تشکیل نمیدهند، به علت نابرابری میزان دستمزد میان زن و مرد در جامعه است. دستمزد پایین و کار سخت و سنگین پرستاری، ضایعات جسمی زیادی بر کارگران پرستار در جامعه وارد میکند. اعتصاب

خصوصی سازی خدمات پرستاری، عدم رعایت عدالت در مساله بهداشت و درمان برای مردم بسیار زیان آور بوده است. رئیس سازمان نظام پرستاری در رابطه با تجمع پرستاران، ریاکارانه و در عین حال تهدیدگونه اعلام کرد که اعتصاب پرستاران، سلامت و جان بیمار را به خطر می اندازد. رئیس سازمان پرستاری تلاش میکند پرستاران را به سر کار بفرستد و آنها را کماکان در انتظار ننگه دارد. سازمان رهایی زن ضمن حمایت قاطعانه از تجمع و اعتصاب

تبعیض ها و نابرابری های شغلی و اجتماعی و پاسخ سریع مسئولین به خواسته ها ایشان شدند. در دو سال اخیر مطالبات پرستاران روی میز مسوولان دولتی قرار داشته و بجز وعده و وعید، هیچ اقدامی نشده و خواسته هایشان بی جواب مانده است. نمایندگان مجلس هم بجز ریاکاری و اعلام آمادگیهای دروغین برای پیگیری مطالبات پرستاران کاری نکرده اند. نمایندگان پرستاران خاطر نشان کردند که، "مشکل ما مشکل کلیه مردم است. کمبود نیروی انسانی،

روز یکشنبه ۲۰ دیماه پرستاران استان تهران طبق قرار قبلی در اعتراض به عدم تحقق مطالباتشان که طی دو سال گذشته بدون جواب مانده است، مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند و خواستار افزایش حقوق، لغو خصوصی سازی، کاهش شیفت های شبانه و دیگر مطالبات خود شدند.

در این تجمع که به فراخوان تشکلهای پرستاری از ساعت نه صبح امروز آغاز شد، پرستاران ضمن یادآوری سخت و زیان آور بودن حرفه پرستاری، خواستار پرداخت مطالبات قانونی، رفع

### بقیه از صفحه ۱ حجاب...

که بر حداقلی از زندگی اش کنترل دارد. برای کنار آمدن با محدودیت هایش، "خودفریبی" می کند. احساس "انتخاب حجاب" به زن بالغ محببه قرار است میدانی برای کنترل بر چیزی در زندگی و کمی اعتماد بنفس بدهد. واقعیت این است که این تسلیم شدگان برای ایجاد اندک احترامی در زندگی، اسارت و بردگی خود را توجیه و آن را منطقی و قابل قبول می نمایند. در این گرهگاه تسلیم است که عده ای نژاد پرست از موقعیتی "بالا" از این قربانیان عکس می گیرند، خود و مردم را شریک خودفریبی آنها می کنند و اسارتشان را توجیه و برای آن نظریه و تئوری نسبیت فرهنگی می سازند. ادعا می کنند که حجاب "انتخاب آزادانه" این زنان است. این انتخاب همانقدر آزادانه است که انتخاب مانند در روابط خشونت آمیز برای زن اروپایی! این انتخاب همانقدر از نظر حقوقی مشروع است که انتخاب و آزادی مانند در یک رابطه سادیستی!

### حجاب کودکان

حجاب کودکان اما موضوع دیگری است. اینجا حوزه تحمیل به کودکان و محروم کردن آنها است. اینجا حوزه تعرض جامعه، خانواده و محیط بزرگسالان به کودکان است. حجاب کودکان باید بعنوان یکی از اشکال خشونت علیه کودکان همه جای دنیا ممنوع شود. کودکان هیچ نوع حجابی "اجباری" یا "دلخواه" ندارند. محروم کردن دختران خردسال

تا خانه، زنانه و مردانه می کنند. با حجاب احترام به خود را از او میگیرند. با حجاب بلند پروازی و جاه طلبی را در دختران می کشند. با حجاب احساسات جنسی دختران را خفه می کنند. با حجاب پسر را در ذهن دختر موجودی "ذاتاً خطرناک، متجاوز، بی رحم و بی عاطفه، می سازند. با حجاب پسران را از معاشرت آزادانه با دختران محروم و آنها را در ذهن پسران موجوداتی خطاکار، نادان، یک وسیله جنسی برای استفاده، خدمتکار مرد، ناتوان و مستوجب سرپرستی و هدایت توسط مردان، می سازند. با حجاب موضوعات درسی فنی، ورزشهای پرجنب و جوش و لازمه حداقل پوشش، شنای موسیقی، رقص و شادی را از زندگی دختر بچه حذف می کنند. با حجاب امکان امتحان ذائقه و سلیقه های مختلف را از او می گیرند. ذائقه و سلیقه اش را حلال و حرام می کنند. با حجاب خندیدن، بلند حرف زدن، اظهار نظر کردن، اظهار وجود کردن، صحبت کردن دختر بچه را زیر یک پوشش تیره و غم انگیز، استتار می کنند. این یک دستگاه شستشوی مغزی کودکان دختر و پسر، یک وسیله به انزوا کشاندن نیمی از بچه های جامعه است. حجاب کودکان تجهیزات یک مهندسی تمام عیار است، برای از خود بیگانه کردن دو جنس از انسان از بلو تولد! آن را باید بدور انداخت!

قیمت محرومیت دختران و "قدرت بخشیدن" به پسران نهادی می کنند. با پوشاندن حجاب بر سر دختران، بر گه اجازه خشونت توسط پسران را صادر می کنند. این شروع آپارتاید جنسی و مجوز خشونت علیه زنان است. این شروع رسمیت دادن به بندگی زن از دوران کوردهی است، به قیمت کشتن زندگی شاد، پر تحرک و خلاق کودکان اش در محیط های اسلامی. این شروع مهندسی دو جنس برابر متولد شده و تبدیل آنها به دو جنس نابرابر زن و مرد است. این آغاز از خودبیگانگی انسان است. هدف، تولید دو جنس "دفرمه" شده فرودست و بالا دست، کتک بخور و کتک بزن، آقا و خدمتکار، نان آور و نانخور، "ضعیفه" و "گردن کلفت" است. حجاب بیشتر از پوشش، حکم و فرمان یک ممنوعیت بزرگ در زندگی دختران است. این مجموعه ای است از احکام، قواعد، ابزار، تهدید و ارعاب برای به بردگی کشاندن او! حجاب کودک از اشکال افراطی خشونت علیه کودکان است، به این خاطر که: با حجاب دختر بچه را از ورزش و جست و خیز محروم می کنند! با حجاب دختر بچه را از سن ۹ سالگی به یک موضوع سکسی تبدیل می کنند، او را به جشن تکلیف می فرستند و آماده پذیرش هرنوع سواستفاده جنسی! با حجاب او را از معاشرت آزادانه با هم بازی ها و همکلاسی ها محروم می کنند، زندگی اش را از مدرسه

برخورداری از این حقوق ابتدایی بشر، برای این جمعیت مشروط به فرهنگ و مذهب و سنت خانواده و کشور محل زادگاه است. نام این ریاکاری و شعبده بازی مشمئز کننده را هم می گذارند "احترام به فرهنگ ها" انسبیت فرهنگی پلانتفرم عمل محرومیت این دختران و زنان است. این تئوری زندگی، آموزش و سلامت دختران را در دستان خانواده مذهبی، مدارس مذهبی، فرهنگ قوم و قبیله پدري می گذارد. اینها اعتقادی به جهانشمول بودن حقوق کودک و حقوق انسان ندارند، راسیست اند! حجاب تنها یک نوع پوشش نیست و مخالفت با آن نیز تنها دفاع از حق و آزادی پوشش نیست، هرچند تحت این عنوان مطرح شود. این نوعی لباس نیست که مثلاً زنی از سر تفریح و تغییر سلیقه پوشش، روزی در یک نمایش مد آن را بر تن کند و فردا بر سر کار و زندگی روتین اش برگردد، یا مادری دختر خردسالش را با آن به بالماسکه مدرسه بفرستد! با پوشاندن حجاب بر سر دختران خردسال به آنها می آموزند که جنس فرودست اند، باید از جنسیت شان شرم داشته باشند، باید بپذیرند که تحرک شان محدود باشد، باید از همان کودکی رسماً بپذیرند که یک سوژه جنسی اند. با پوشاندن حجاب بر سر دختران، به پسران می آموزند که جنس "بالا دست" اند و دختران خردسال فرودست و سوژه های جنسی! با پوشاندن حجاب بر سر دختران خردسال، یک جدایی جنسی عمیق بین زن و مرد را از کودکی به

و زیر سن قانونی از پوشش آزاد، رایج، زیبا و راحت، به هر بهانه و توجیهی که صورت بگیرد، باید ممنوع باشد. همانطور که دستبند زن، دهان بستن و چشم بند زدن به زنان و دختران ممنوع است. به همین روشنی حجاب دختران باید ممنوع باشد. اگر وجدان، افکار عمومی و یک دولت "امروزی"، با هیچ توجیهی نمی پذیرد که در گوشه و کنار شهر دسته ای از دختران را با دستبند، دهان و چشم بسته بچرخانند، نباید با هیچ بهانه ای حجاب کودکان را تحمل کند. اما دیدیم و می بینیم که اینطور نیست. دیدیم و می بینیم که دولت سوئد و دولت های کشورهای غربی چگونه سالها به تماشای "بستن دهان" دسته ای از دختران در کشورهای تحت حاکمیت شان نشسته اند. آخر این دسته از دختران برای دولتهای "مدرن" و "امروزی" سوئد و انگلیس و آلمان و کانادا، پیش از انسان بودن و شهروند بودن، "مهاجر"، " خارجی" و "غیر خودی" اند. برای اندازه گیری حقوق انسانی این جمعیت، حتی اگر ساکن و شهروند سوئد و انگلیس و آلمان هم باشند باید شناسنامه ملی و مذهبی پدر و خانواده و قوم و قبیله را نشان دهند! حقوق انسانی "مهاجرین" در اروپا و آمریکا را با مذهب، ملیت و قومیت متر می کنند. کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر، حقوق زنان و کودکان و سالمندان و مجرمان و حقوق مدنی مردم در خود این کشورها، تماماً شامل حال این دسته از شهروندان نمی شود.

# قانونی شدن سقط جنین یک ضرورت است!

## محمود قزوینی

### عواملی که سقط جنین را ضروری میسازند؟

در ایران و کشورهایی که سقط جنین غیر قانونی است، سقط جنین در اشکال زیر زمینی در سطح وسیعی جریان دارد. چرا چنین است و چرا ضروری است تا سقط جنین قانونی شود.

مهمترین عاملی که وجود سقط جنین را ضروری میسازد، عامل اقتصادی و فقر است. تا زمانی که بخش وسیعی از مردم قادر به تامین معاش برای فرزندان نشان نیستند و بدنیا آمدن يك فرزند برای خانواده يك كابوس تلقی میشود، سقط جنین يك ضرورت اجتناب ناپذیر میباشد. تا زمانی که بدنیا آمدن يك فرزند جدید موجب از دست دادن شغل و خانه نشینی زنان میشود، تا زمانی که حاملگی و بچه دار شدن به معنای از دست دادن رتبه و مقام اجتماعی زن در اجتماع میباشد، سقط جنین اجتناب پذیر مینماید و تا زمانی که شکل های مطمئن و پیشرفته جلوگیری از حاملگی در دسترس عموم مردم قرار نگیرد، ضرورت وجودی سقط جنین وجود خواهد داشت.

فرهنگ عقب مانده و مردسالار نیز یکی از موجبات دست زدن به سقط جنین نزد زنها میباشد. در جامعه ای مانند ایران که دختران جوان و زنان مجبورند تا روابط جنسی و عاشقانه خود را از همه پنهان نگه دارند، حاملگی ناخواسته يك فاجعه است که در صورت آشکار شدن، نه تنها موجب طرد زن از اجتماع میشود و فشارهای فرهنگی و اقتصادی سنگینی را به او تحمیل میکند، بلکه او را با قتل ناموسی و یا سنگسار و اعدام دولتی روبرو میسازد. يك نمونه از این حاملگی ناخواسته سرنوشت زن نیجریه ای امینه لاول میباشد. حاملگی خارج از ازدواج امینه لوال، موجب شد تا رابطه خواسته و یا ناخواسته خارج از ازدواج او آشکار شود و این همانطور که همه میدانند حکم سنگسار او را در پی داشت که با تلاش سازمانهای بین المللی حقوق بشر لغو شد. در ایران و کشورهای اسلام زده که رابطه خارج از ازدواج يك تابو است و

عقوبت بسیار سختی را چه از طرف خویشاوندان و محیط و چه دولت اسلامی حاکم به همراه دارد، حاملگی و ترس از حاملگی خود هم يك مانع برای رابطه جنسی خارج از ازدواج میباشد. مسلما باید برای پایان دادن به این وضعیت، در درجه اول بر علیه فرهنگ اسلامی و عقب مانده حاکم که بیش از همه توسط دولت اسلامی اشاعه مییابد مبارزه کرد و این فرهنگ را تغییر داد. اما زندگی و روابط مردم منتظر چنین امری نمیماند. علارغم وجود فرهنگ عقب مانده و اسلامی، تابوهای موجود همیشه توسط بخشی از مردم شکسته میشود. اما در دوران جدید که نسل جوان در ایران تمامی فرهنگ و سنن عقب مانده را به يك چالش همه جانبه فراخوانده است و شکستن تابوها میان نسل جوان نه يك استثنا بلکه دارد به يك قاعده تبدیل میشود، باید هم ضمن مبارزه بر علیه فرهنگ و سنن عقب مانده و اسلامی، شرائطی را فراهم کرد تا مردم بتوانند به نیازهای انسانی و آزادخواهانه خود جامعه عمل بپوشانند.

تصور کنیم زنی در ایران خارج از ازدواج حامله شود. اگر از سنگسار و اعدام نجات یابد، با او مانند جزمیها و طاعون زده ها برخورد میشود. نه تنها خود او دیگر ارزشی در جامعه ندارد، بلکه کودکش نیز "حرامزاده" میباشد و عقوبت سختی همه جا در انتظار کودک است. این کودک هم ارزش دیگر کودکان نیست. کم ارزش تلقی شدن و نیش زبان زندهای اطرافیان و مردم، کودکی و نوجوانی او را تیره و تار میسازد. نه او و نه مادر تنهانش نمیتوانند از پس این فرهنگ کثیف برآیند. تأثیرات روانی چنین پدیده ای برای کودک و مادرش در تصور نمیگنجد. سقط جنین پاسخ فوری این مشکل ناعلاج حاضر میباشد. اگر امینه لاول و هزاران و میلیونها زن این امکان را داشته باشند تا از سقط جنین استفاده کنند، میتوانند از بار این عقوبت ها بجهند. مسلم است که مادران حامله دوست دارند فرزند خود را بدنیا آورند. اما همین مادران وقتی به سرنوشت خود و فرزند خود فکر میکنند سقط جنین

را به دارا شدن فرزند ترجیح میدهند.

### رابطه استقلال اقتصادی و اجتماعی زن با بارداری و سقط جنین

وقتی که زنی پس از هزاران مرارت در ایران توانست برای خود شغلی دست و پا کند و تا اندازه ای استقلال اقتصادی یابد و از این طریق شخصیت اجتماعی خود را باز یابد و توانست در مقابل تعدی و زورگویی نهفته و آشکار همسر و اطرافیانش مقاومت به خرج دهد و به آن نه بگوید و بقول معروف برای خود کسی شود، با پدیده حاملگی و بچه دار شدن روبرو میشود، در مقابل يك دو راهی قرار میگیرد. سوال روبروی او این است که آیا باید استقلال اقتصادی و شخصیتی خود را حفظ کند و یا اینکه این استقلال را فدای بچه دار شدن کند. همیشه این دو راهی در مقابل زنان شاغلی که صاحب فرزند میشوند وجود دارد. زنان هم گاهی این و گاهی آن را انتخاب میکنند. همچنین بچه دار شدن زنان خانه دار، استقلال و آزادی آنها را بیش از پیش محدود میسازد و زنجیرهای بردگی آنها را در خانه و کار خانگی محکمتر میسازد. همچنین بچه دار شدن موجب میشود تا زنان برای همیشه به دلائل متنوع از جدایی پرهیز کنند و پذیرش چنین چیزی موجب میشود تا زنان سربراه تر، حرف شنوتر، فرمانبردارتر و برده تر شوند. زنانی که بچه دار میشوند از نظر اقتصادی بیشتر به همسرانشان وابسته میشوند. زنان شاغل در اکثر موارد مجبور میشوند شغلشان را از دست بدهند. دیگر نه تنها تامین معاش و مخارج زندگیشان، بلکه تامین معاش کودک نیز به وابستگی اقتصادی او به همسرش افزوده میافزاید. دیگر اگر زندگی برای او يك جهنم کامل هم باشد باید دندان روی جگر بگذارد و آن را ببذیرد. دیگر اگر بتواند راهی هم برای طلاق گرفتن پیدا کند، نمیتواند آن را اجرا نماید. دیگر خودش تنها نیست تا فقر و بیپیزی و انزوا و هزار مشکل دیگر را برای جدایی پذیرا شود. حالا دیگر پای فرزند در میان است که نه تنها از حق حضانت و حتی دیدار جگر گوشه اش محروم میشود، بلکه

اگر بتواند هم حق سرپرستی را به دلائلی بگیرد، فکر تامین معاش آنها موجب میشود تا از این حق بگذرد. به دلیل همه این مشکلات زنان سعی میکنند از بچه دار شدن بخصوص در اوائل زندگی پرهیز کنند تا بتوانند مستقل تر زندگی کنند.

به دلیل عدم وجود آموزش جنسی و عدم دسترسی وسیع زنان به وسائل پیشرفته جلوگیری از بارداری، حاملگی ناخواسته در ایران بسیار وسیع است و سقط جنین يك راه برون رفت برای زنان از این موقعیت دشواری میباشد که در بالا ذکر کردم.

### سقط جنین باید قانونی شود

به دلیل عوامل ذکر شده بازار سقط جنین در ایران وسیع است. سقط جنین عموماً در خارج از کلینیکهای پزشکی و به صورت ابتدایی صورت میگیرد و یا بصورت مخفی در کلینیکهای پزشکی انجام میشود. به دلیل هزینه سرسام آور کلینیکهای پزشکی تقریباً قشر بسیار کمی از زنان میتوانند سقط جنین را در کلینیکهای پزشکی انجام دهند و اکثریت زنان به روشهای ابتدایی و خطرناک برای سقط جنین متوسل میشوند که گاهی به فاجعه ای برای مادر تبدیل میشود.

برای پاسخ به این وضعیت دشوار چه باید کرد و چه باید خواست. مسلماً تامین رفاه و شغل زنان نمیتواند به سرعت امروز و فردا تامین شود. این به يك تغییر وسیعتر یعنی تغییر سیستم اقتصادی و سیاسی گره خورده است. اما پیدا کردن راه حلهایی که بتواند درد را همین امروز کاهش دهد شدنی است. مجموعه این تلاشها نه تنها از حاملگی ناخواسته میکاهد، بلکه سقط جنین را هم بشدت کاهش میدهد.

آموزش وسیع جنسی مردم در مورد روش های جلوگیری از بارداری و در دسترس بودن وسیع و رایگان وسائل جلوگیری از حاملگی ناخواسته میکاهد و بسیاری از زنان را از دست زدن به راه سخت تر و دشوارتر سقط جنین که از نظر روحی و عاطفی نیز مشکل زاست راحت میکند.

اما در شرائط جامعه امروز قانونی شدن سقط جنین، يك پاسخ مهم به شرائط و مشکلات زنان میباشد. مسلماً در جامعه ای که سنگسار و اعدام به خاطر رابطه خارج از ازدواج وجود دارد، دستیابی به این حق دشوار میباشد. ممنوعیت سقط جنین در ایران خود یکی از دلائل وجودی خود را از فرهنگ مردسالارانه و ناموس پرستی ضد زن میگیرد. ممنوعیت سقط جنین برای این وجود دارد تا کنترل روابط جنسی انسانها در آن جامعه سهل تر صورت گیرد. ممنوعیت سقط جنین در ایران به بردگی بیشتر زنان در ایران یاری میرساند. ممنوعیت سقط جنین برای رژیم جمهوری اسلامی یکی از ابزارهای دیگر برای کنترل بیشتر زنان است.

با توجه به دلائلی که در بالا گفتم سقط جنین باید قانونی شود. مسلماً این يك انتخاب مطلوب برای زنان و اساساً جامعه نیست. من در بالا از مشکلات اقتصادی و فرهنگی نوشتم که سقط جنین را ضروری میسازد. راه حل درست و انسانی این است که به این مشکلات اقتصادی و فرهنگی در جامعه پایان داده شود تا انسان مجبور نباشد برای پاسخ به آنها به سقط جنین دست بزند. بهترین راه این است که ریشه فرهنگ ضد زن و مردسالار و اسلامی ریشه کن شود. بهترین راه حل این است که روابط جنسی انسانها به امر شخصی آنها تبدیل شود و ناموس پرستی خشکانده شود تا زنی برای پنهان کردن رابطه جنسی خود، مجبور نشود بالاجبار به سقط جنین روی آورد. باید با تعصبات و فشارهای اخلاقی که زنان را به سقط جنین وامیدارد، مقابله فرهنگی قاطع کرد. باید فعالانه از زنان در برابر اینگونه فشارها، تعصبات و تهدیدات حمایت کند.

باید با تلقیات خرافی، مذهبی و مردسالارانه و عقب مانده در جامعه که مانع رشد شعور جنسی مردم و مشخصاً سد راه استفاده وسیع زنان و جوانان از وسائل جلوگیری از بارداری و حفظ ایمنی رابطه جنسی است مبارزه کرد.

حق تصمیم گیری در باره سقط جنین فقط ← ۷

# چرا طلاق؟ لادن داور

از این پس در رهایی زن تصمیم گرفتیم که با ابتکار من این صفحه را برقرار و از زنانی که طلاق گرفته و یا دلشان میخواهد طلاق بگیرند در این باره بپرسیم و گفتگو کنیم. از نظر ما طلاق یکی از فرازهای زندگی زنان است که آینه تمام نمای سالها سختی، بی حقوقی و خشونت به زن است. این هفته مصاحبه ای دارم با افسانه. از همه دوستانی که میخواهند در این گفتگو شرکت کنند میخواهم که به من مراجعه کنند.



**رهایی زن:** سلام افسانه عزیز همیشه کمی از زندگی برامون بگی  
**افسانه:** از زندگیم بجز درد و غم چیزی ندارم که بگم. همسر اولم که بسیار انسان والایی بود و رابطه خوبی با هم داشتیم متأسفانه در جنگ ایران و عراق کشته شد و من و دخترم با یک دنیا غم تنها افتادیم. خودتون خوب میدونید که تنها بودن اون هم در محیط ایران چقدر سخته. از طرفی قبل از هر چیز مشکلات مالی پیش میاد، امکانات دولتی و اجتماعی که برای مادران تنها وجود نداره، بعدش هم که حرف اینو آن، آدم بعنوان یک زن بیوه جرات نمی کنه با مردی احوالپرسی کنه فوراً همه پشت سر آدم حرف می زنند. در نتیجه تنها راه رهایی از این مشکلات ازدواجه.  
**رهایی زن:** پس دوباره ازدواج کردی  
**افسانه:** بله، ولی کاش نمی کردم. چون با وجود اینکه با پسر عمویم ازدواج کردم ولی زندگی برای من با این ازدواج خیلی بدتر از زمانی شد که همسر فوت کرد.

**رهایی زن:** این ازدواج دومت با عشق بود یا فقط یک انتخاب بود؟  
**افسانه:** دوستش داشتم ولی در درجه اول یک انتخاب بود. خواستگار زیاد داشتم ولی چون یک دختر داشتم نخواستم با غریبه ازدواج کنم فکر کردم که اگر با فامیل باشه بهتر میتونه هم منو و هم بچه ام رو درک کنه برای همین با وجود اینکه خواستگارهای خیلی بهتری داشتم ولی او را انتخاب کردم.

**رهایی زن:** پسر عمومیت هم بچه داشت؟ آیا اصلاً قبلاً ازدواج کرده بود؟

**افسانه:** نه برای او ازدواج اول بود.

**رهایی زن:** رفتارش با بچه ات چطور بود؟

**افسانه:** همانطور که انتظار داشتم

رفتارش اوایل با دخترم خوب بود. فقط اواخر بد اخلاقی می کرد. طوری که یک بار دخترم رو کتک زد، دخترم گریه کرد و گفت کاش پدر خودم زنده بود. که این جمله اش خیلی دلم رو به درد آورد.

**رهایی زن:** پس دست بزن داشت و روزی که دخترم رو کتک زد، منم کتکش کردم و بعد از اون روز زندگی برایم تیره و تار شد. تا

**افسانه:** نه کاش مشکل فقط زدن بود، البته فقط همین یک بار کتک زد اون هم دخترم رو ولی مشکل اصلی چیز دیگری بود.

**رهایی زن:** چی بود؟  
**افسانه:** بعد از یک مدت که از ازدواجمون گذشت من متوجه شدم که حامله نشدم. خودش اصلاً در این مورد حرفی نمیزد ولی من فکر کردم که چون خودم یک بچه دارم درست نیست که نسبت به این مسئله بی توجه باشم، فکر کردم که به هر حال حتماً اون هم بچه دلش میخواد واسه همین رفتم دکتر، بعد از کلی آزمایش دکتر گفت شما مشکلی ندارید و ممکن است که این علت از همسرتان باشد. اینبار با همسرم رفتم دکتر، بعد از معاینه گفتند که علت بچه دار نشدن از اوست و باید معالجه شود. مقداری دارو دادند. هنوز همه داروها رو تمام نکرده بود که من حامله شدم. ولی کاش نمی شدم. حامله شدن همین و بد قلبی های اون شروع شدن همین.

**رهایی زن:** چرا مگه خوشحال نشد از اینکه صاحب بچه میشه؟

**افسانه:** نه اصلاً، اون روزها من برای کمک خرجی میرفتم در یک شرکت کار می کردم و اونو فرستادم که درسش رو ادامه بده بخونه. وقتی فهمید هنوز داروهاش تمام نشده من حامله ام به من شک کرد و گفت چطور حامله شدی منگه هنوز دارویم تمام نشده حتماً از رئیس شرکتت حامله شدی. وقتی این حرف

احکام متحجر سنگسار و اعدام کودکان، تاکنون مجبور به لغو و یا توقف بعضی از این احکام شده است. برای جلوگیری از اجرای هر گونه حکم اعدام و سنگسار در ایران باید به این فشارها و اعتراضات تا لغو کامل قانون مجازات اعدام و سنگسار ادامه داد.

سازمان رهایی زن / دانمارک شماره تماس با ناهید ریاضی:

۰۰۴۵۴۰۵۴۳۹۹۲

www.zhiLaa.com  
nahid@mail.danbbs.dk

بقیه از صفحه ۱۱ امنستی ...

جوانان در ایران را رد کرد و ادعا نمود که این مجازاتها در ایران به اجرا در نمی آیند!

رژیم جمهوری اسلامی بدلیل فشارهای شدید بین المللی و اعتراضات سازمانها و فعالین حقوق بشر و همچنین بدلیل مقابله دهها هزار نفر در داخل و خارج از ایران با

# پیروزی پاتیناژ بر اسلام یک پیروزی تمام عیار خواهد بود!



زنان و جوانان آنقدر بر حکومت اسلامی فشار میاورند که آیت الله ها و روشنفکران دینی که زمانی با قیافه علمی استدلال میکردند که تکان خوردن زنان موجبات گناهان کبیره در مردان را فراهم میکند، مجبور شدند به یک هجوم فرهنگی دیگر غرب و ورزش غربی در کشور "اسلامی" تن دهند. اما برادران مسلمان دیگر نمیتوانستند تحمل کنند که پاتیناژ به همان شکلی که همه دنیا اجرا میشود یعنی با موزیک شاد و لباس مخصوص و راحت که معمولاً توسط یک دختر و پسر با هم اجرا میشود، اجرا شود. برای همین بر پاتیناژ غربی مهر اسلامی کوبیدند. دختران با مانتو و



پاتیناژ بر اسلام، یک پیروزی تمام عیار خواهد بود. آزادی کامل پاتیناژ، با موزیکهای شاد غربی و با زن و مردی که به غیر اسلامی ترین شیوه با هم میرقصند، چیزی از اسلام باقی نمیگذارد. پس زنده باد پاتیناژ

گذاشتن و برجیدن قوانین اسلامی، پاتیناژ با لباس اسلامی را هم بر میچینند. هجوم پاتیناژ مانند هجوم فوتبال تا به آخر میرود. اما پیروزی پاتیناژ در ایران با نابودی اسلام و حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی همراه خواهد بود. پیروزی

نشینی های دیگری هم در مقابل خواست جوانان برای بازی فوتبال بدهد و امروز دیگر بازی فوتبال این هجوم فرهنگی غرب به طور کامل اسلام و برادران اسلامی را زمینگیر کرده است. زنان و مردم در ایران با زیر پا

بود. زیرا برای اولین بار در تاریخ اسلام در دهن یک آخوند کلمه ورزش جاری شد. به هر حال در آنزمان به بازیکنان فوتبال اجازه دادند که با لباسی که تمام بدن آنها را میپوشاند فوتبال کنند. و بالاخره حکومت اسلامی مجبور شد تن به عقب

روسی به دور از چشم نامحرم پاتیناژ میکنند. زمانی رژیم اسلامی در باره فوتبال همین کار را کرده بود. وقتی امام با اظهار اینکه ورزش را دوست دارد، در اسلام رفم و انقلاب عظیمی ایجاد کرد که در تاریخ آن بیسابقه

ملیت، در "مهد تمدنها" به قیمت پایمال شدن خون دهها دختر جوان در انگلیس و سوئد و آلمان و دانمارک و کانادا صورت می گیرد. کودکان و دختران جوان "مهاجر" برای بهره مند شدن از حقوق پایه ای شهروندی و انسانی خود هر روز می جنگند. برخورداری از حقوق پایه ای انسان، و از جمله برخورداری از آزادی معاشرت و پوشش، باید مثل حق استنشاق هوا، آزاد باشد. این حق را از کودک سوئدی و آلمانی و انگلیسی نمی توان گرفت. آن را نباید بتوان از کودک و دختر متولد محیط های اسلامی هم گرفت.

تبعیض و خشونت است، را بست. در مورد ممنوعیت حجاب کودکان منصور حکمت پنج سال پیش به تفصیل نوشت\*. اگر محروم کردن "مایک و هلن" از معاشرت و زندگی مختلط دو جنسیتی و فرستادن آنها به مدارس اسلامی درست نیست، محروم کردن "محمد و ناهید" متولد محیط های اسلامی، از زندگی مختلط و فرستادن آنها هم به مدارس اسلامی درست نیست. اگر پیچاندن "روزا و جولیا" سرتا پا در پارچه ای بنام حجاب انسانی نیست، پیچاندن سرتا پای "شهین و ملیحه" هم در حجاب انسانی نیست. اگر آموزش خشونت، نابرابری و خوراندن ایده های مردسالارانه در مدارس عمومی سوئد ممنوع است، باید بساط مدارس اسلامی را هم جمع کرد. درک این بدیهیات و حقایق ابژکتیو در مورد برابری انسانها مستقل از نژاد و جنسیت و مذهب و

کودکان و دختران جوان در محیط های اسلامی میتوان به مقابله با قتل و کشتار آنها رفت. تنها با بیرون کشیدن زندگی، آسایش، رشد و پرورش آنها از زیر دست و پای محیط های اسلامی است که میتوان مقابل این تراژدی ها را گرفت. شروع این حمایت، بی تردید ممنوعیت حجاب کودکان است. حقوق کودکان جهانشمول است و باید آن را شامل دختران در محیط های اسلامی نیز کرد.

کمونیست هایی که از کشورهای ایران و عراق به سوئد آمده اند، پنج سال است می گویند که باید کاری کرد! باید به کمک این کودکان و دختران شتافت. باید حقوق سایر کودکان و زنان شامل حال آنها هم بشود. گفتیم حجاب کودکان و دختران زیر سن قانونی باید ممنوع شود. باید در مدارس مذهبی، که مراکز آموزش نابرابری، زن ستیزی،

چشم بر ریشه و علل این جنایات بست. هر آدم شریف و دلسوزی که تراژدی زندگی های فاطمه و سارا و پیلا و دهها دختر جوان دیگری که در اروپا طعمه شکارچیان اسلامی شدند را بخواند، بی تردید بدنبال علل آن می گردد. خشونت اسلامی در "مهد تمدن" اروپا حادثه و تصادف نیست. جنایاتی از سرفقر و اعتیاد و استیصال نیست. این قتل ها مجازات های اسلامی در حق زنان "نافرمان" است. پدر اگر دختر "خطاکارش" را نکشد! برادر و شوهر اگر "خواهر و زن بد" را نکشند! از محیط ارتزاق اسلامی طرد و "سرافکننده" خواهند شد. این محتوای آن چیزی است که در مدارس اسلامی و با پوشش حجاب در مغز کودکان بیگناه و معصوم به زور فرو می کنند. در مقابل این جنایات تنها به یک طریق میتوان سد بست. با حمایت واقعی از

بقیه از صفحه ۲ حجاب... حجاب و قتل های ناموسی در "غرب" دولت های اروپایی آنقدر به پایمال شدن حقوق دختران خردسال و جوان در محیط های اسلامی کشورهاشان "احترام" گذاشتند تا جوامع امروزی و مترقی شان "نا امن" و قتل گاه تعداد زیادی از این دختران بی پناه شد و صدای مردم درآمد. همه می دانند که اگر فعالین پیشرو در کمپین های اعتراض به این جنایات نبودند، قطعاً این دولت ها تلاش می کردند که کمتر کسی از این فجایع مطلع شود و تلاش می کردند که بنوعی جامعه را همچنان "امن" بنمایانند. قتل های ناموسی دختران جوان تصادف نیست. محصول و نتیجه طبیعی حاکمیت حجاب بر فضای زندگی دختران و پسران در محیط های اسلامی است. نمی توان برای قتل های ناموسی دل سوزاند و در عین حال

Tele star 12  
Polarity: Vertical  
Sym Rate: 17,468ms  
Inf Rate: 24,148 Mbps

Freq: 11494.5 MHZ  
Video PID 1760 Audio PID 1720  
FEC: 3/4

تلوزیون رهایی زن (کانال یک)  
هر جمعه ساعت ۸ صبح  
به وقت تهران روی:

## جنون جنسی برادران اسلامی و مشکل مانکن در ویتترین مغازه ها



### سروش دانش

به لطف و برکات حضور سربازان امام زمان در مملکت گل و بلبل ایران و حضور قوانین متعلق به چند هزاره قبل هر از چند گاهی چشممان به جمال اخبار و نوشته هایی پر شور و هیجان باز می شود که چیزی جز خنده ای چند ساعته را به دنبال ندارد.

چندی است دفترچه ای از سوی نیروی انتظامی برای آشنایی هر چه بیشتر مردم به قوانین "جامعه فاضله اسلامی" بین مردم پخش شده است و در آن از مواردی نیروی انتظامی می تواند به افراد جامعه و مغازه داران تعرض کند را خیلی دقیق شرح داده است. یکی از این موارد "فروختن شرت و سوتین در ملاعام" ذکر شده است. مورد بعدی استفاده کردن مغازه داران از مانکن های زن با برجستگی است.

بیماری جنسی این مردان خدا و سربازان امام زمان از موجود بیجان هم نمیگذرد. ببخود نیست که در کتاب های مقدس و رساله های این مردان خدا از چگونگی تجاوز به

الاق و حشرات نیز صحبت شده است. قوانین اسلامی در این زمینه ها قبلا بطور کامل در افغانستان تحت حاکمیت طالبان به اجرا در آمد. اما این برادران مسلمان در ایران زورشان نرسید تا همه آنها را اجرا کنند. وقتی طالبان قدرت را در افغانستان داشت. دور حمام های زنانه را تا شعاع یک کیلومتری حصار می کشید که خدای نکرده مردانی که ریش شان تا دم پایشان کشیده می شد با شنیدن صدای آب حمام به فکر این نیافتند که زنی لخت دارد خود را می شوید! اسلام یعنی همین دیگه. برادرانی که قوانین و مقررات اسلامی را اجرا میکنند یا جنون جنسی دارند و یا در اثر فرهنگ و قوانین و مقررات اسلامی به جنون جنسی دچار میشوند. واقعا باید قبول کرد که در یک جامعه واقعا اسلامی یا باید حمام زنانه را خارج از شهر و ده ساخت و یا این برادران مسلمان مومن را به هنگامی که زنان حمام میروند در جایی موقتاً حبس کرد. وگرنه جنون جنسی این برادران

سازان یا پستان را سخت عذاب کند" امیدوارم آیت الله ها و برادران سپاه و چهارپایه و روشنفکران دینی و دانشمندان اسلامی از چوب خشک در ویتترین مغازه ها که چادر و مقنعه به سرش کرده اند، دچار هوسهای جنسی جنون آمیز اسلامی نشوند.

خشک یک حسن هم دارد و آن این است که دیگر نمی توان لباس های بی ناموسی نظیر آستین حلقه ای و پشت باز را به نمایش گذاشت و تنها باید به نمایش چادرهای رنگی پرداخت و در راستای همین نکته قرآن کریم به ذکر آیه ای پرداخته است:

"به قدرت خدای متعال تعظیم کنید که خود انسان نمایی اسلامی را برای استفاده خلق الله آماده بر زمین مهیا گردانیده است و خدا مانکن

## زنان ایران پشت در استادیوم فوتبال!

پروگفته از سایت زنان ایران ترجمه مهرنوش پورضیایی

بی. بی. سی - در ایران، چیزی حدود 23 سال است که زنان ایرانی اجازه تماشای مسابقات فوتبال تیم های مورد علاقه شان را از روی سکوی استادیوم های ورزشی نداشته اند. از زمان انقلاب اسلامی در سال 1979 تا کنون زنان از تماشای ورزشهای مردان منع شده اند، اما به نظر می رسد این وضعیت رو به تغییر است چرا که کمیسیون فرهنگی دولت موافقت موقتی خود را با ورود آنان به استادیوم ها اعلام کرده است.

جنون فوتبال:

فوتبال در ایران طرفداران زن زیادی دارد. در سال 1998، صدها زن راه خود را به سوی مجموعه آزادی تهران، به زور باز کردند تا به تیم ملی خود که در برابر تیم فوتبال



کاریکاتور از: سارا رضانی، شرقیان

مسابقات فوتبال حرکات ناشایستی از خودشان نشان می دهند و این مسئله همیشه بهانه ای برای منع ورود زنان به استادیوم ها بوده است. فرنگیس محبی می گوید: "زنان باید اجازه داشته باشند بین تماشای فوتبال از استادیوم یا تلویزیون، هر کدام را که می خواهند انتخاب کنند."

تلویزیون را بلامانع دانسته است. اگر چه ظاهراً اعتقاد بر این است که تماشای فوتبال به صورت مستقیم برای زنان حکم نگرستن به مرد برهنه را دارد که مخالف شرع است. اما روزنامه نگار ایرانی مقیم لندن به نام "فرنگیس محبی" با این نظریه مخالف است. او که با سایت اینترنتی بی بی سی گفتگو کرده است، می گوید مردان ایرانی در

از دختران ایرانی آنقدر به فوتبال علاقمندند که برای ورود به استادیوم های فوتبال لباس و قیافه خود را تغییر می دهند و مسابقات را از نزدیک تماشا می کنند.

این تغییرات، البته مخالفان خود را هم دارد.

روزنامه محافظه کار جمهوری اسلامی، یکی از این مخالفان است. در این روزنامه آمده است: "درست است که دختران زیادی دلشان می

خواهد مسابقات فوتبال را در استادیوم تماشا کنند، اما بالا بودن این گرایش ربطی به درست بودن آن از نظر اخلاقی ندارد. مردم زیادی در سراسر دنیا به مواد مخدر، قمار و الکل علاقه دارند و همه می دانیم که مبادرت به این سه مورد نکوهیده و ناپسند است." البته این مقاله تماشای فوتبال از طریق

استرالیا در بازی های حذفی جام جهانی پیروز شده بود، خوش آمد بگویند، البته مقامات ایرانی سعی کردند چشم خود را بر روی این اتفاق و شادمانی زنان در خیابان که در پی آن رخ داد، ببندند.

در سال های اخیر ترك هایی در رسانه ها صورت گرفته تا به زنان ایرانی نیز اجازه تماشای فوتبال مردان داده شود.

ماهانمه زنان، مسئولین را به خاطر برخورد های تبعیض آمیزشان زیر سؤال برده است. در این نشریه آمده است چرا وقتی که به تماشاچیان زن ایرلندی اجازه حضور در استادیوم فوتبال آزادی داده می شود، زنان ایرانی از چنین حقی محرومند؟

اوایل سال جاری روزنامه اصلاح طلب "آزاد" که در حال حاضر توقیف شده است در مقاله ای نوشت بعضی

## کنسرت پاپ دو خواهر ترانه سرا و خواننده کانادائی تیگن و سارا در نیویورک: «چه حسود»



موسیقی خود بیابند. در ترانه Take Me Anywhere آرزوی دخترانه از راه رسیدن دلبری ابراز می‌شود با جاذبه مسحور کننده. خانم تیگن کوئین، ترانه‌سرا و تهیه‌کننده گروه تیگن اند سارا در مصاحبه‌ای می‌گوید طی دو سال اخیر آنها موفق شده‌اند که خود را برای شنوندگان موسیقی در آمریکا و کانادا از نو تعریف کنند، و نشان بدهند که آنها غیر از گیتار زدن و خواندن، می‌توانند سازنده ترانه‌های پاپ باشند.

برنامه چهارشنبه شب تیگن و سارا Bowery Ballroom در نیویورک، آخرین برنامه تور آنها در آمریکاست. با استفاده از شهرتی که این سفر برای آنها به ارمغان آورد، آنها به کانادا بازمی‌گردند برای اجرای برنامه در شهرهای مختلف در اولین تور «چه حسود». آنها طی ماه اخیر در آمریکا، علاوه بر اجرای کنسرت در تالارها و کلوب‌های ده‌ها شهر، به برنامه‌های تلویزیونی عمده آمریکا نیز راه پیدا کردند، از جمله برنامه ۱۲۰ دقیقه MTV و شوهای کون اوپرایز و دیوید لترمن **بر گرفته از سایت رادیو فردا**

دوقلو تیگن و سارا پیوسته‌اند و حاصل آن بهترین آلبوم این دو است، آلبومی پر از هارمونی‌های گوش‌نواز دوصدائی، روی ضربات اکورد های گیتار و بیت‌های موزون موسیقی پاپ. آلبوم پرفروش آنها So Jealous ترانه «مرا نمی‌پسندی You Wouldn't Like Me شروع می‌شود که سرشار از احساسات نوجوانانه شک و تردید نسبت به خود است. آنها می‌خوانند «من هم اگر خود را ببینم از از خودم خوشم نمی‌آید.»

تیگن و تارا، دو خواهر ترانه‌سرا، نوازنده و فیلمساز کانادائی، که در چهارمین سال فعالیت خود با So Jealous «چه حسود» چهارمین آلبوم خود، چند ماهی است که توجه منتقد ها و تماشاگران را برانگیخته‌اند، متولد کالگری کانادا هستند اما سارا در ون کوور غرب کانادا زندگی می‌کند و تیگن در مونترال، شرق کانادا. آنها آخرین آلبوم خود So Jealous را در ون کوور ضبط کردند و ماهها تمرین جداگانه و بعد کار با اعضای گروه کوچک راک، به آنها کمک کرد صدای پیچیده‌تر و مطمئن تری برای

جوان هموطن آنها، ستاره پاپ خانم Avril Lavigne و Nelly Furtado را پر در میان نوجوانان آمریکا و کانادا به محبوبیت و شهرت رسانید: یعنی شکوه از دردهای پس‌ابلیغ و جستجو برای خود شناسی، به اضافه عشق و البته ناکامی در عشق.

صداهای دخترانه و ظریف تیگن و سارا، در ترانه‌های آنها ترکیب گوش‌نازی با هم دارد. در ترانه‌های تیگن و سارا، صداهای جوان و معصوم دخترانه و موسیقی‌ای که گاهی غمگین است و گاهی سرخوش، با اشعار غم‌انگیز و عاطفی ترکیب می‌شود. کار آنها بی‌تردید از همه شگردهای موسیقی پاپ پیروی می‌کند، هرچند با سازبندی ساده سعی می‌کنند لحنی جدی‌تر به موسیقی خود بدهند، برای آن دسته از شنوندگانی که ترجیح می‌دهند شیفتگی خود نسبت به موسیقی پاپ را انکار کنند.

در آلبوم So Jealous تهیه‌کنندگان برجسته موسیقی راک، از جمله آقای Matt Sharp که آلبوم‌های گروه Weezer را تهیه کرده و جان کالینز از The New Pornographers به خواهران

درد از دست دادن معشوق و بحران‌های عاطفی نوجوانی شکوه‌های تلخ و گاه اشکبار سر می‌دهند، اما به خاطر شوخی‌های سرزنده و بگومگوئی که با هم روی صحنه دارند، به اجراهای خود سرزندگی و شور می‌بخشند. این دو خواهر، در کنسرت امشب خود در تالار باوری Bowery Ballroom نیویورک، ترانه‌هایی از آخرین آلبوم خود «چه حسود So Jealous» را اجرا می‌کنند که در فهرست ده آلبوم برگزیده سال 2004 ده‌ها منتقد راک مجلات و روزنامه‌های بزرگ و کوچک آمریکای شمالی قرار گرفته است.

ترانه‌های دو خواهر کانادائی، تیگن اند سارا، از همان فرمول برنده‌ای پیروی می‌کند که خوانندگان نسل

دو خواهر ترانه‌سرا و خواننده کانادائی که آخرین آلبوم آنها در فهرست ده آلبوم برگزیده سال ۲۰۰۴ بسیاری از منتقدان راک در آمریکا قرار دارد، با سفر به دور آمریکا و کانادا و اجرای ترانه در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی پر بیننده، برای خود جایی در مجموعه سی دی علاقمندان موسیقی، به خصوص دختران نوجوانی باز می‌کنند که با ترانه‌های آنها در باره عشق و ناکامی جوانی همداستان هستند. چنانکه همکار ما بهنام ناطقی گزارش می‌دهد کنسرت چهارشنبه شب تیگن و سارا در نیویورک هفته‌است پیش فروش شده است

دو خواهر دوقلوی بیست و چند ساله، تیگن Tegan و سارا Sara کوئین Quin، هر چند در ترانه‌های خود از

**بقیه از صفحه ۳ قانونی...**

### به عهده زن می‌باشد

مسلم است تصمیم گیری در باره سقط جنین فقط به عهده زن می‌باشد. تنگناهای اقتصادی و فرهنگی که در بالا ذکر کردم زنان را وامیدارد تا به سقط جنین روی آورند. برای همین هیچ شخصیت دیگری حتی همسر حق تصمیم گیری در باره سقط جنین را ندارد. تصمیم گیری در باره سقط جنین باید به عهده زنان گذاشته شود.

### سقط جنین باید تا ۱۲ هفته و رایگان صورت گیرد

قانونی شدن سقط جنین باید تا ۱۲ هفته باشد و این تصمیم باید به عهده زن گذاشته شود. اما سقط جنین پس از ۱۲ هفته‌گی باید به تشخیص مراجع پزشکی صلاحیتدار باشد و این تا اولین مقطعی که عمل سزارین و حفظ نوزاد با توجه به آخرین امکانات پزشکی مقدور

است، سقط جنین را کاهش داد. آموزش وسیع جنسی مردم در مورد روش‌های جلوگیری از بارداری و در دسترس قرار دادن وسیع وسائل جلوگیری از بارداری و اختصاص بودجه و امکانات کافی برای کمک به زنانی که از سر فشار اقتصادی خود را ناگزیر به انجام سقط جنین می‌بینند، سقط جنین را کاهش داد. اما جامعه‌ای که محور آن انسان و آزادی انسان باشد به سقط جنین احتیاج ندارد. ضرورت اجتماعی که امروز سقط جنین را ضروری می‌سازد، می‌تواند آگاهانه رفع شود. می‌توان به وجود ضروریات مادی و فرهنگی سقط جنین پایان داد. در يك جامعه آزاد که محور احتیاجات انسان باشد پدیده سقط جنین زوال می‌یابد. اگر به تنگناهای اقتصادی و فرهنگی زن پایان داده شود و اگر قدرت علم و تکنیک برای فن‌های پیشرفته تر ← ۴

جنین را فراهم می‌کند مبارزه کرد. قانونی شدن سقط جنین از اهمیت زیادی در کم کردن مشقات زنان، جلوگیری از فشارهای دولت و جامعه به آنها دارد. بهترین برنامه در زمینه سقط جنین برنامه‌ای است که ضمن به رسمیت شناختن قانونی شدن سقط جنین تلاش کند تا با مبارزه با زمینه‌های سقط جنین، سقط جنین را کاهش دهد و با نابودی زمینه‌های آن به این عجز انسان در جامعه پایان دهد. باید ضمن تلاش برای کاهش سقط جنین از طریق مقابله فرهنگی قاطع با تعصبات و فشارهای اخلاقی که زنان را به سقط جنین وامیدارد و مبارزه با تلقیات خرافی، مذهبی و مردسالارانه و عقب مانده در جامعه که مانع رشد شعور جنسی مردم و مشخصاً سد راه استفاده وسیع زنان و جوانان از وسائل جلوگیری از بارداری و حفظ ایمنی رابطه جنسی

خواست قانونی شدن سقط جنین یکی از خواستهای مهم زنان می‌باشد که باید برای آن تلاش کرد. مسلمانا جمهوری اسلامی به این خواست تن نمی‌دهد و از ممنوعیت سقط جنین به همراه دیگر قوانین اسلامی ضد زن برای حفظ آپارتاید اسلامی جنسی بهره می‌گیرد. اما باید این خواست را طرح کرد. باید خواهان پایان دادن به ممنوعیت سقط جنین شد. برای انسانها و بخصوص زنان باید سقط جنین نشان از درماندگی باشد و نه آزادی و رهایی. انسانها باید آنقدر در برابر مشکلات اقتصادی و فرهنگی زانو زده باشند تا برای فرار از این مشکلات و یا کاهش آنها به سقط جنین روی آورند. اما با همه اینها بشر امروز متأسفانه راه حل فوری برای اجتناب از این راه ندارد. سقط جنین باید قانونی شود، اما همزمان باید بر علیه شرائطی که موجبات سقط

میشود را شامل می‌شود. سقط جنین پس از ۱۲ هفته‌گی با خطر سلامتی مادر نیز روبروست که فقط مراجع پزشکی صلاحیتدار می‌توانند در این مورد تصمیم بگیرند. انجام سقط جنین و پرستاری پس از آن باید بطور رایگان در کلینیک‌های مجاز توسط پزشکان متخصص صورت گیرد. بدون این خواست اکثریت زنان کارگر و زحمتکش جامعه نمیتوانند از این خواست استفاده کنند و به دلیل مشکلات اقتصادی از همان روشهای خطرناکی استفاده میکنند که هم اکنون در ایران جریان دارد.

### از قانونی شدن تا زوال سقط جنین

تا زمانی که این مشکلات اقتصادی و فرهنگی برای زنان وجود دارد و به خصوص دوره حاضر با وجود جمهوری اسلامی و قوانین و تبلیغات اسلامی زن ستیزانه،

# مصاحبه رادیو فردا با ناهید ریاضی!

## ناهید ریاضی: در ماه دسامبر

به دنبال کمپین ما برای نجات لیلا مافی و مساله شلاق خوردن او، من بعد از تماس و طی نامه ای از وزیر امور خارجه دانمارک تقاضا کردم که برای نجات جان این دختر جوان که به جرم رابطه جنسی خارج از ازدواج محکوم به اعدام شده، هر تلاشی که از دستشان بر می آید از طرف دولت دانمارک انجام دهند. ایشان در هفته گذشته در جواب به این درخواست من به اطلاع رساندند که دولت دانمارک ۲۵ کشور دیگر عضو اروپا از طریق ریاست پارلمان اروپا با مقامات ایران تماس گرفتند و نگرانی خودشان را و ناراضیاتی خودشان را از حکم اعدام لیلا به آنها اعلام کردند. بنا به اظهارات وزیر امور خارجه دانمارک در این نامه مقامات ایران به اتحادیه اروپا در واقع اطلاع دادند که آنها تصمیم به تجدید نظر در پرونده لیلا را دارند و دلیلش را هم وضعیت روانی لیلا اعلام کردند.

**ن. ع.:** گفتید که مقامات ایران اعلام کردند که تجدید نظر خواهند کرد در پرونده لیلا مافی. کجا این را اعلام کردند؟ آیا به طور رسمی این را اعلام کردند؟

## نازی عظیم (رادیو فردا):

خانم ناهید ریاضی شما از پیگیران پرونده اعدام لیلا مافی هستید. اخیرا گویا وزیر خارجه دانمارک از طریق نامه ای به شما اطلاع داده که مقامات ایران اعلام کردند که در پرونده اعدام لیلا مافی تجدید نظر خواهند کرد. ممکن است در این مورد بیشتر توضیح دهید.

## ناهید ریاضی: بله، دقیقا مساله

همین است که بنا بر اظهارات وزیر امور خارجه دانمارک در نامه کتیبشان به من، مقامات ایران رسماً به پارلمان اروپا، به ریاست پارلمان چنین اظهاراتی را اعلام کردند و بنا به اظهارات امنستى (عفو بین الملل) Amnesty International در تاریخ ۱۱

ژانویه در اطلاعیه ای، امنستى هم به ۲۶ دسامبر رجوع می دهد که در آنجا وزارت خارجه ایران باز هم در يك کنفرانس خبری که این هم در ارتباط با پارلمان اروپا هست چنین اظهاراتی را اعلام کردند و این مساله که چنین اظهاراتی را مقامات ایران در مقابل پارلمان اروپا کردند این چیزی است که وزیر امور خارجه دانمارک و ریاست پارلمان اروپا و همچنین امنستى الان تاییدش می کند.

**ن. ع.:** آیا وکیل خود لیلا مافی از این مساله خبر دارند و در جریان این امر بودند؟

**ناهید ریاضی:** جالبی مساله در این است که تا آنجا که من مطبوعات ایران را پیگیری کردم و خبر دارم، مقامات ایران رو به ایران این را اعلام نکردند، ولی رو به

پارلمان اروپا این را اعلام کردند. من خودم تلاش کردم که این مساله را اعلام بیرونی کنیم تا این که خود وکیل لیلا مافی خانم شادی صدر هم از این مساله باخبر شوند.

**ن. ع.:** فکر نمی کنید که وزارت خارجه به هر حال جزو دولت است و این مساله به قوه قضاییه مربوط می شود؟

**ناهید ریاضی:** بله مسلماً قوه قضاییه است که در ایران این تصمیم را می گیرد، ولی مساله این است که وقتی پارلمان اروپا تقاضا می کند یا اروپای مشترک با ایران تماس می گیرد، از جمله وزیر امور خارجه ایران است که جوابگو هست و در ارتباط است و چیزی که اینها اعلام کردند گفتند: عقب ماندگی ذهنی لیلا باعث می شود که دوباره پرونده بررسی شود، اما باید بگویم که شکی نیست که به دلیل فشار و اعتراض های بین المللی و فعالیت های فعالین حقوق بشر و همینطور هزاران نفر در سراسر دنیا چه در خود ایران و چه در خارج ایران مسلماً نقش مهمی در جلوگیری و لغو احکام سنگسار و اعدام در ایران داشته و دارد.

## زنان کارگر در "ناران فیروزه"، ماهیانه ۱۵ تا ۲۵ هزار تومان حقوق می گیرند!

کارگران به کارخانه رفتیم که از ورود ما به داخل محوطه کارخانه جلوگیری به عمل آمد. عمارلو در خاتمه گفت: اجاره معمولی ترین خانه در نیشابور، ماهیانه ۱۰۰ هزار تومان است که کارگران مذکور اگر هیچ غذایی نخورند و خرج هم نکنند، از پس دادن کرایه خانه هایشان بر نمی آیند.

مشغول کار هستند؛ به طوری که آن هایی که ۴ سال سابقه کار دارند، ۲۵ هزار تومان و نیروی تازه کار نیز ۱۵ هزار تومان دست مزد می گیرند؛ ضمن آن که از آن ها، از ۲۵۰ هزار تا يك ميليون تومان سفته هم گرفته اند تا ۱۲ ساعت در روز کار کرده و با جای دیگری همکاری نکنند.

این مقام کارگری در ادامه سخنان خود گفت: برای بررسی وضعیت

ایلنا گفت: وضعیت کارگران در نیشابور بحرانی است و از همه بدتر وضعیت کارگران شرکت "ناران فیروزه"، که يك شرکت تولید کننده مواد شوینده و شیمیایی است، وی افزود: حدوداً ۱۰۰ نفر از کارگران در این کارخانه مشغول کار هستند که ۸۰ درصد آنان را بانوان نیشابوری تشکیل می دهند. وی تصریح کرد: این بانوان با حقوق ناچیز ۱۵ تا ۲۵ هزار تومان در ماه

تهران- خبرگزاری کار ایران کارگران شرکت "ناران فیروزه" که اکثریت آن ها را بانوان تشکیل می دهند، در شرایط سخت و طاقت فرسا مشغول کار هستند و سقف حقوقشان از ۲۵ هزار تومان تجاوز نمی کند.

"سعید عمارلو"، دبیر اجرایی خانه کارگر نیشابور، ضمن بیان تاسف و نگرانی از وضعیت کارگران این کارخانه، به خبرنگار گروه کارگری

کودکان اول چرا و چگونه؟ کنفرانسی در مورد جهانشمول بودن حقوق کودک

برای شرکت، ثبت نام، سخنرانی، یا کارگاه، با میکروکتاب یا نمایش فیلم و موزیک، با آدرسهای زیر این اطلاعیه تماس بگیرید.

کنفرانس به زبانهای، انگلیسی، سوئدی، فارسی، عربی، و کردی برگزار میشود. اگر برای شرکت در کنفرانس زبانی غیر از زبانهای اعلام شده صحبت میکنید، با ما تماس بگیرید تا امکان آن را بررسی کنیم.

تلفن انگلیسی: ۴۴۷۹۸۱۳۴۳۱۰۱ Fax: 46-8-590-737 99 barnenforst@sprey.se avalkodakan@yahoo.co.uk

### آدرسهای تماس با ما

#### دبیر سازمان رهایی زن

##### مهرنوش موسوی

mehr\_musavi@yahoo.de  
Tel: 00491706739503

#### مسئول روابط بین المللی

##### ناهید ریاضی

Tel: 004540453992  
nahid@mail.danbbs.dk

#### مسئول تشکیلات کل کشور

##### لادن داور

ladann\_d@yahoo.com  
Tel: 0049 178 20 84 153

#### مسئول تشکیلات

##### خارج کشور

##### دیانا نامی

diannammi@yahoo.com

#### مسئول امور مالی

##### مریم افراسیاب پور

mafrasiabpour@yahoo.se

#### مسئول تلویزیون

##### رهایی زن

##### مینو همتی

MinoHemati@yahoo.com  
Tel/Fax: 001(916)314 8971

#### صندوق پستی:

P.M  
P.F: 102431  
50464 Köln  
Germany

#### اول کودکان برگزار

##### میکند

11 و 12 فوریه

۲۰۰۵ استکهلم سومین

کنفرانس اول کودکان

## به سازمان رهایی زن پیوندید